

## محاكمه نورمبرگ

این موضوع که مدتی مدید افکار عمومی جهانیان را بخود جلب کرده و مورد تفسیرات گوناگون ارباب جرأید قرار گرفت از نقطه نظر علمی مربوط است برشته تازه از علم حقوق که هنوز حتی اسم ثابتی هم که مقبول عموم باشد ندارد بعضی آنرا حقوق جزائی بین المللی جدید و برخی هم حقوق جزائی بین الدول میگویند Droit penal intéretatique وجه تسمیه حقوق جزای بین الملل جدید از اینجهت است که این رشته از علم حقوق با حقوق جزای بین المللی کلاسیک و قدیمی فرق موضوعی دارد حقوق جزای بین المللی کلاسیک را عبارت دانسته اند از علمی که صلاحیت مقامات جزائی مملکت را در مقابل مقامات جزائی خارجی معین کرده و اعتبار احکام جزائی صادر از ممالک خارجه را در کشور شرح میدهند - بطور خلاصه اینعلم تکلیف اشخاصی را که از کشور متبوع خود خارج شده و در خارجه مرتکب جرم میشوند یا برعکس معین مینماید - حقوق جزای بین الملل جدید مربوط است بدول و جنایاتی که ممکن است دولتها مرتکب گردند و نیز مجازاتهایی که میتوان درباره آنها تعیین نمود و باین مناسبت شاید بهتر باشد که این رشته تازه از علم حقوق بین حقوق بین الدول خوانده شود زیرا موضوع آن دول میباشد نه ملل.

و موضوع محاکمه نورمبرگ هم رسیدگی بجرائم اشخاصی که هنگام جنگ مرتکب شده بودند نبود مثل افسری که اسرای جنگی یا اشخاصی را که بگروگان نگهداشته اند تیرباران میکنند - یا فرمانده یک تحت - البحری که بیک کشتی مریضخانه تیراندازی میکند - این اشخاص مطابق اصول کلی در محکمه نظامی کشور خود یا محلی که مرتکب جرم شده اند مطابق قوانین همان محل مجازات خواهند شد. موضوع محاکمه نورمبرگ رسیدگی بجرائم دستگاه دولت آلمان و مجرمین اصلی جنگ بود یعنی محاکمه اشخاصی که فعالیت جنائی آنان در یک محل و نقطه معین نبوده بلکه نسبت بموقعیتی که در دولت داشتند آثار جنایات آنان در ممالک مختلف مشهود میگردد و بهمین جهت هم چون دول مختلف در آن محاکمه شرکت داشتند آنرا محکمه بین المللی نورمبرگ گفتند.

جلسات این محاکمه در کاخ دادگستری شهر نورمبرگ از شهرهای باویر تشکیل گردید علت انتخاب این شهر از اینجهت بود که همه ساله مهمترین جلسات حزب ناسیونال سوسیالیسم یعنی کنگره های حزبی در این شهر بعمل میآید و برای هر یک از این کنگره ها از طرف هیئتلر اسم مخصوصی گذارده میشد از قبیل کنگره فتح - کنگره شرافت - کنگره ایمان کنگره اراده و غیره

نورمبرگ از سال ۱۹۴۲ از طرف انگلیسها بعنوان معامله متقابله سخت بمباران شده و با خاک یکسان گردید فقط بعضی از ابنیه مهم آب از قبیل گراندهتل و همین کاخ دادگستری و غیره تاحدی از حملات هوایی مصون ماندند .

نسبت باساس تشکیل این محکمه سئوالات و ایرادات مختلفی مربوط بحقوق بین الملل عمومی از قبیل اینکه افراد را تاچه حد میتوان مسئول اعمال مجرمانه که دولتی بر علیه دولت دیگر مرتکب میگردد دانست یا مربوط بحقوق جزای عمومی از قبیل آنکه آیا ممکن است اشخاصی را برای اعمالی که قبل از ارتکاب شناخته نمیشده است بمجازاتهاییکه بعد از ارتکاب جرم تعیین میشوند محکوم نمود و یا سئوالات دیگری مربوط باصول محاکمات جزائی کرده اند و محکمه هم ضمن رای خود جوابهایی بآن ایرادات داده است ولی یکی از این سئوالات قبل از هر مسئله دیگر بنظر کسی که راجع بمحاكمه نورمبرگ فکر کند میرسد و من میل دارم قبل از اینکه داخل در اساس مطلب بشوم آن سئوال را در محضر آقایان که اکثر از حقوق دانان این مملکت میباشد بدون اینکه بخواهم از همین الان جوابی بآن داده باشم طرح کنم و آن سئوال راجعست بمشروعیت و قانونی بودن محاکمه نورمبرگ که تماما از بزرگترین حقوق دانان دنیا هستند و بنظر یکعده از علماء حقوق محاکمه بین المللی نورمبرگ پیدایش يك عدالت تازه بین المللی را نوید میدهد - برای اولین دفعه دژ محکمی که همواره مجرمین بزرگ جنک در پناه آن خود را از تعقیب و مکافات مصون و محفوظ میداشتند یعنی اصل شخصیت معنوی و حقوقی دولت از لحاظ غیر قابل مجازات بودن شکسته شد و مجرمین بین المللی آینده خواهند دانست که برای اعمال مجرمانه که انجام داده و نقض عهد هائی که نسبت بمقررات بین المللی میکنند مجازات خواهند شد.

ولی در مقابل این تزیك آنتی تزیهم موجود است - عده دیگر معتقدند که محاکمه نورمبرك یکی از اعمال غالب بر مغلوب و سوء استفاده از غلبه است که ملل غالب خواسته اند بخدعه و تزویر ظاهری قانونی باعمال خود بدهند و اشخاصی را که در سابق بعنوان خدمتگذار وطن و مجرم سیاسی از مجازات معاف میدانستند این دفعه مجازات کردند - این اشخاص میگویند در محاکمه نورمبرك طرف و قاضی یکی بود - و بعلاوه همین اعمالی که بواسطه ارتکاب آن مغضوبین را مجازات کردند از قبیل توقیف در اردو گاه های نظامی یا بمبارد مسان اشخاص نظامی و قتل اسرای جنگی و نظایر آنها را خود فاجعین هم مرتکب شده اند - حال کدام يك از این دو نظر راست است بنده عقیده خود را در آخر کنفرانس و بعد از توضیح قضیه عرض خواهم رسانید ولی خواستم آقایان از همین ابتداء جلسه باین سؤال توجه داشته باشند .



از نقطه نظر تاریخی میتوان گفت همواره از ازمینه قدیم عاداتی برای جنگ در بین ملل مختلفه مرسوم بوده و عدم رعایت آن عادات را مخالف مردانگی و بزرگواری می شمرده اند ولی آنچه که در اینخصوص عنوان قانونی بین المللی پیدا کرده عبارتست از قراردادها و عهدنامه هائی که بین دول راجع بقواعد و قوانین جنگ منعقد گردیده - مهمترین این قراردادها در قرنیه که ما در آن زندگی میکنیم عبارتست از قرارداد لاهه مورخه سال ۱۹۰۷ که دو سال بعد از جنگ روس و ژاپون بسته شده است . در این سال بنا بدعوت تسارو رئیس جمهور اتا زونی کنفرانسی از چهل و چهار دولت در لاهه تشکیل گردیده و قرارداد بین المللی لاهه را در خصوص قوانین و عادات در جنگ منعقد نمودند .

ذکر تمام مقررات عهدنامه مزبور خود موضوع چندین جلسه کنگاب است ولی بطور خلاصه بعضی از اقداماتی که در این کنفرانس راجع بجنگ بتصویب رسیده عبارتند از منع استعمال اسلحه سمی - منع کشتن افراد دشمن بعنوان جاسوسی - منع کشتن یا مجروح ساختن دشمنی که تسلیم گردیده و اسلحه بر زمین گذارده - یا وسائل دفاع از خود ندارد - بکار وا داشتن افراد ارتش دشمن مخصوصا بکارهای مخالف شئون آنان یا بر علیه دولت آنان - منع غارت و چپاول - مصونیت کشتی های مریضخانه -

نگاهداری و مواظبت مجروحین - مرضی - مغروقین دشمن -  
 ماده سوم عهد نامه لاهه ۱۹۰۷ میگوید طرف متخاصمی که این  
 مقررات را رعایت ننماید مسئول بوده و اگر ضرری از طرف او وارد  
 گردید مکلف بجزبران آن خواهد بود - ولی قرارداد مزبور بهیچوجه  
 تعیین جرم یا مجازات نکرده است و مخصوصا راجع بمسئولیت مسبین  
 جنک هیچ بخشی در آن نرفته است .

تغییراتی که در سبک جنک از ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۴ پیدا شد و مخصوصا  
 ازدوران جنک ۱۸-۱۹۱۴ تغییراتی را هم در مقررات و عادات جنک ایجاد  
 میکرد مخصوصا از اینجهات .

اولا بواسطه اختراع اسلحه جدیده صدمات وارده از آنها مراتب  
 شدید تر و دردناکتر و مخصوصا بی رحمانه تر شده بود .

ثانیا - در دوران جنک ۱۸-۱۹۱۴ بواسطه جنگهای هوایی جان  
 و مال افراد غیر نظامی نیز مورد تجاوز حمله قرار گرفت .

ثالثا - برای اولین مرتبه جنک از صورت محلی بودن خارج شده  
 و بواسطه تسهیل وسائل حمل و نقل و اختراعات تازه وضعیت بین المللی  
 بخود گرفت .

از همین تاریخ است که فکر تحریم جنک بوسیله قانون بین المللی  
 و عهد نامه و تشکیل مجامع بین المللی و مجازات مجرمین جنک پیدامیشود  
 در معاهده صلح و رسای مورخه ژوئن ۱۹۱۹ مقررات صریحی در اینخصوص  
 دیده میشود .

ماده ۲۲۸ عهد نامه و رسای میگوید دوات آلمان قبول میکنند که  
 متفقین و متحدین اشخاصی را که خلاف مقررات جنک رفتار کرده اند در نزد  
 محاکم نظامی خود محاکمه نموده و بمجازاتهاییکه قوانین شان مقرر داشته  
 است محکوم نمایند - مقامات آلمانی موظفند که اشخاص مذکور را تسلیم  
 مقامات دول متحد و متفق بنمایند .

ماده ۲۲۹ میگوید کسانیکه بر علیه افراد دول متفق مرتکب عملی  
 خلاف قوانین و مقررات جنک شده باشند در یک دادگاه نظامی که از قضات  
 نظامی آن دول مختلف تشکیل خواهد شد محاکمه میشوند .

ماده ۲۲۷ میگوید - دول متفق و متحد گیوم دوم از خانواده  
 هوهانزلرن امپراطور سابق آلمان را متهم بنقض مقررات اخلاقی و قوانین

وعادات و عهدنامه های جنك دانسته و رسیدگی بتقصیرات و جرائم او را بیک محکمه مخصوص با تامین حق دفاع برای او واگذار میکنند این محکمه از پنج نفر قاضی یک نفر از هر یک از دول انگلیس - فرانسه - امریکا ایتالیا و ژاپون تشکیل خواهد شد. دول متفق و متحد جمعا تقاضائی برای استرداد گیوم بدولت هلند خواهند داد.

ولی باید گفته شود - که تقریبا هیچیک از این مقررات اجرا نشد زیرا اولاً آلمانها از دادرسی افراد خود توسط محاکم خارجی بعنوان اینکه این امر مخالف قوانین آلمان و منافی با شرافت آلمانی است امتناع کردند - ثانیاً اصل تقابل را عنوان کرد و گفتند در اینصورت باید اتباع دول متفق هم که مرتکب جرائمی برخلاف مقررات جنك شده اند محاکمه و مجازات شوند و راجع به تقاضای محاکمه ۹۰۰ نفر سران آلمان که در جزء آنان اسامی هیندنبورک - لودندورف - فن ماکنزن نیز دیده میشود دولت آلمان در یادداشت ۲۰ ژانویه ۱۹۲۰ جواب داد که تسلیم این اشخاص بمقامات خارجی برای محاکمه برخلاف افکار عمومی آلمانها بوده و ایجاد انقلاب و بلوا در کشور خواهد نمود و به همین جهت در یادداشت تصریح شده بود که این اشخاص بموجب قانونی که در ۱۷ دسامبر ۱۹۱۹ به تصویب رایتستاخ رسیده است برای جرائمی که در آلمان یا خارج از آلمان مرتکب شده اند در خود آلمان و در نزد محاکم آلمانی محاکمه و محکوم خواهند شد ولی عملاً خیلی بندرت اشخاصی در نزد این محاکم محکوم شدند ثالثاً - راجع بتقاضای استرداد گیوم هم دولت هلند بعنوان اینکه مشارالیه مجرم سیاسی است از استرداد آن خودداری نمود بطوریکه ملاحظه میشود تمام مقررات معاهده و رسای ناظر باعمال گذشته و برای مجازات اشخاصی بود که در جنك ۳۸-۱۴ مرتکب جرم شده بودند ولی میثاق جامعه ملل بطوریکه آقایان مستحضرند جزء معاهده و رسای بود مقرراتی را برای آینده پیش بینی میکرد و برای توجه آقایان بمقررات موجود حین جنك بین الملل دوم و قبل از تشکیل محاکمه نورمبرگ باید مختصری هم بمقرراتی که از طرف جامعه ملل از ۱۹۲۰ تا قبل از جنك اخیر وضع و تصویب گردید اشاره شود.

خلاصه این مقررات عبارتست از تشکیل يك محکمه جزائی بین المللی

و وضع بعضی مقررات جزائی

ماده ۱۴ میثاق جامعه ملل شورا را موظف کرده است که طرحی برای تشکیل يك دادگاه دائمی بین‌المللی تهیه نموده و به تصویب اعضاء برساند. ظاهراً طرحی هم از طرف شورا در اینخصوص تهیه گردیده ولی هیچگاه اعضاء جامعه آنها تصویب نکردند.

ولی اگر این امر از طرف جامعه ملل معوق ماند برعکس از طرف مجامع علمی حقوق بین‌المللی استقبال زیادی از آن بعمل آمده و طرحهای مختلفه از طرف تشکیلات علمی ممالک مختلفه تهیه گردید که عبارتند از:

۱- طرحی که از طرف اتحادیه حقوق بین‌المللی در لندن International law association در جلسات سال ۱۹۲۲ آن اتحادیه بتصویب رسید  
 ۲- طرح تهیه شده از طرف اتحادیه پارلمانی L'union interparlementaire که در کنفرانسهای سالیه سال ۱۹۲۴ - ۱۹۲۶ آن اتحادیه تصویب گردید.

۳- طرحی که از طرف اتحادیه بین‌المللی حقوق جزائی Association internationale du droit pénal در جلسه سال ۱۹۲۴ آن اتحادیه که دانشکده حقوق پاریس تحت ریاست مسیو Louis Bartoux تشکیل گردید تهیه و در جلسه سال ۱۹۲۶ آن اتحادیه در بروکسل بتصویب رسید. از تمام این طرحها کاملتر همان طرح سوم است که پیشنهاد آنت از طرف Vespasien Pella نماینده رومانی Donnedien de Valsres ستاد دانشکده حقوق پاریس تهیه گردیده بود - در این طرح مراتب ذیل پیش بینی شده بود:

اولاً - برای محکمه بین‌المللی صلاحیت رسیدگی بامور جنائی نیز شناخته شود.

ثانیاً - محکمه مزبور صلاحیت حل اختلافاتی که بواسطه صدور احکام متناقض از محاکم مختلفه پیدا شده است داشته باشد.

ثالثاً - محکمه مزبور صلاحیت رسیدگی بجنایات دولتها و همچنین بتمام تغلفاتی که نسبت بقوانین حقوق بین‌المللی بعمل میآید و نیز حق صدور مجازات یا اقدام تامینی لازم بر علیه دول داشته باشد.

رابعاً - محکمه مزبور که صلاحیت رسیدگی بجرائم مختلفه جنک را داشته و برای مرتکبین تعقیب مجازات یا اقدام تامینی بنماید.

بطوریکه ملاحظه میشود تهیه کنندگان لایحه و اعضاء کنفرانس بروکسل تقریباً در نظر داشته اند که دیوان دائمی بین‌المللی تبدیل بیک

دیوانعالی تمیز بین المللی شود.

آنچه از صورت مجلسهای این کنفرانس برمیآید از نقطه نظر حقوقی بین اعضاء بحث زیاد شده است که آیا ممکن است دولت را که يك شخصیت حقوقی است محکوم بجازات نمود یا خیر - هرچند این يك مسئله اصولی است و نمیتوان بتفصیل در اینجا وارد بآن شد ولی بطور خلاصه نظر اعضاء کنفرانس این بود که چون دولت يك شخصیت موهوم و حقوقی دارد از نقطه نظر عدم امکان اجراء مجازات نسبت بآن نمیتوان عنوانا آنرا محکوم نمود ولی ممکنست برعکس بر علیه دولتها حکم باجرا اقدام تامینی صادر گردد که کاملاً در عرض مجازات است و همسان نتیجه راهم می بخشد و علاوه در بسیاری از عهدنامهها و قراردادهای اقدامات تامینی دیده می شوند مثلاً مقررات عهدنامه ورسای راجع بنگاهبانی و مراقبت پلهای رود رن غیر نظامی شناختن ناحیه رنانی با اشغال کامل خاک آلمان تمام از اقدامات تامینی بین المللی هستند.

در عرض کنفرانس قبول نمود که اگر مجازات دولتها ممکن نیست برعکس مجازات افراد دولتها در صورتیکه مرتکب جرائمی شده باشند ولو بنام دولت و برای دولت اشکالی ندارد و همین نظریه است که مبنای تشکیل محکمه بین المللی نورمبرگ قرار گرفت.

اما راجع بوضع مقررات جدید جزائی بین المللی جامعه قبول نمود که اگر از بین بردن جنک برای همیشه ممکن نیست ولی با تصویب مقرراتی میتوان اولاً - آنرا ملایمتر و Humanisé نمود . ثانیاً ممکنست با وضع تشریفات و مقرراتی که باید قبل از مبادرت بجنک از طرف دولتها بعمل آید حتی المقدور وقوع آنرا بتأخیر انداخت. ثالثاً ممکنست مواد جنک مشروع را محدود ساخت - و جنک مشروع عبارتست از وقتی که :

- ۱ - جنک در صورت دفاع مشروع ۲ - جنک در صورت نقض حقی که از طرف اعضاء جامعه شناخته شده باشد ۳ - در صورتیکه مقدمات تشریفاتى که برای جنک تصویب گردیده بعمل آمده ولی موثر واقع نشده باشد.

علاوه بر این مقررات در دوره عمل جامعه ملل عهدنامه هائی نیز برای احتراز از وقوع جنک بسته شده است که مهمترین آنها عبارتند از :

۱ - مقاله نامه ژنو Protocole de Genève مورخه ۱۹۲۴ که بموجب آن شورای جامعه ملل باید در هر موقع که صلح بین دو یا چند دولت بخطر می افتد راجع بحل اختلافات وساطت نماید.

۲ - قرار داد Locarno مورخه ۱۹۲۵ که بموجب آن در مورد اختلافات بین دول مراجعه به حکمیت اجباری شناخته شده است.

۳ - قرار داد پاریس بامیثاق بریاند گلوک Briand Kellog مورخه ۱۹۲۸ که بموجب آن عده زیادی از دول اروپای غربی عضو جامعه از حق جنگ صرف نظر کرده و آنرا تحریم نموده اند.

علاوه بر اینها ماده ۱۶ میثاق جامعه ملل صریحاً مقرر میدارد که هر یک از اعضاء جامعه که برخلاف تعهداتی که در مقابل جامعه نموده است مبادرت بچنگ نماید مثل اینست که ipso facto با تمام دول جامعه اعلان جنگ داده باشد.

بعد از این مقدمه طولانی اجازه بفرمائید حالا داخل در اصل مطلب

شویم .

### اساسنامه دادگاه نظامی بین المللی نوره برگ

از آنچه گفته شد ثابت میشود که در عرض تاریخ چند ساله بین دو جنگ سعی و اهتمام کامل شده است که صلح را بوسیله حق و قانون نگاهداری نمایند حتی این بحث نیز شده است که آیا ممکن است همانطور که جان و مال و ناموس و شرافت و حیثیات افراد را یک دارائی حقوقی *Bien juridique* دانسته و بوسیله مقررات جزائی آنها را از تعرض مصون میدارند همانطور هم صلح را یک دارائی حقوقی منتها ملی و نه شخصی دانسته و حفاظت آنرا بوسیله قوانین جزائی بین المللی تامین نمایند یا خیر؟ ولی با کمال تأسف باید گفت که این مجاهدات بجائی نرسید.

این مساعی و اهتمام دول برای نگاهداری صلح بوسیله حق و قانون بتدریج با توسعه و نفوذ فاشیسم از ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۵ سریعتر شده و بعداً با شروع قدرت ناسیونال سوسیالیسم افزون تر میگردد .

ولی متأسفانه باید گفت که بعد از چندی صحبت از افلاس و ورشکستگی دستگاه ژنوبیتی جامعه ملل پیش میاید .

افلاس جامعه ملل با جنگ چین و ژاپن در ۱۹۳۱ و جنگ ایتالی و حبشه در ۱۹۳۵ کاملاً محقق میگردد .

دولت آلمان هم در ۱۹۳۶ بعد از ترك كنفرانس خلع سلاح و خروج از جامعه ملل با اقدامات ذیل ناتوانی جامعه ملل را عملاً در نگاهداری صلح ثابت نمود - تصرف ناحیه رنانی که غیر نظامی بودن آنرا جامعه ملل تضمین کرده بود - در ۱۲ مارس ۱۹۳۸ فشار بر حکومت Dr: Schuschnig



و تصرف اطریش از سپتامبر ۱۹۳۸ تا مارس ۱۹۳۹ تقسیم و تصرف چکوسلواکی در دونوبت - یکی تصرف نواحی سودت با تصویب فرانسه و انگلستان در کنفرانس مونیخ و برخلاف تعهدی که ایندودولت در مقابل چکوسلواکی کرده بودند و بعداً تصرف بهم و مراوی و تحت الحمايه قرار دادن آن با فشار هیتلر و مسیو هاشا که ناگهانی با احضار اودر برلن صورت گرفت .

چند ماه بعد وقتیکه رسماً تهدید دولت آلمان بلهستان بر خلاف عهدنامه عدم تهاجم که بین آن دودولت در ۱۹۳۴ منعقد گردیده بود شروع شد - رئیس ممالک متحده جمهوری امریکا پیامی در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۳۹ بعنوان هیتلر و موسولینی فرستاده و در آن یاد آور شد که از آنسک مدتی باینطرف سه دولت اروپائی و یکدولت افریقائی استقلال خود را از دست داده اند و این سه دولت اروپا عبارتند از اطریش و چکوسلواکی و آلبانی و در افریقا دولت حبشه - و اگر آنان واقعا خواستار صلح باشند هرگز جنگ واقع نخواهد شد - روزولت تذکر داده بود که بعقیده وی تمام مسائل بین المللی را در صورت حسن نیت ممکن است در پشت میزیک کنفرانس حل نمود - و در پیام خود لیست اسامی سی دولت مستقل اروپائی و آسیائی و افریقائی را داده و از هیتلر و موسولینی خواسته بود که برای مدت ۲۵ سال یا اقل ۱۰ سال استقلال آنها را تضمین کنند روزولت تقاضا کرده بود در صورت جواب مثبت مشارالیه مراتب را باطلاع دول دیگر رسانیده و همین تضمین را هم از آنها تقاضا خواهد نمود و در صورت توافق در این موضوع کنفرانس با مشارکت دولت امریکا تشکیل داده و در آن مسئله تقلیل تسلیحات و نیز تقسیم مواد اولیه را که برای هرملتی لازم است تصویب نماید .

راجه بجزئیات این پیام رئیس جمهور امریکا که آخرین اقدام عملی برای جلوگیری از جنگ و همچنین بروشن ساختن افکار عمومی امریکا نسبت بنظریات دول محور بود و یکی از مهمترین اسناد جنگ اخیر است من توجه حضار محترم را بدو اثر بزرگ علمی و سیاسی جلب میکنم یکی کتاب مسیو فرانسوا بونسه سفیر کبیر دولت فرانسه در برلن بنام ( خاطرات يك سفارت در آلمان یکی کتاب حمله آلمان بر لهستان تالیف آقای لئون نوبل Léon nobl جواب دولت آلمان باین پیام که بعد از دعوت

رایشتاخ از طرف هیتلر در ۲۸ آوریل ۱۹۳۸ و مراجعه بآن صورت گرفت تقریباً تمام امیدها را تبدیل بیاس کرد. و سر انجام در اول سپتامبر ۱۹۳۹ بعد از مبادله چند یادداشت سیاسی بین دولت آلمان و فرانسه و انگلیس بطوریکه همه میدانند قوای مسلح آلمان وارد دالان دانزیک گردیده و جنگ بین الملل دوم شروع گردید - از این تاریخ بعد تعطیل معاهدات بین المللی پشت سرهم شروع شده و بتدریج از ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۴ قسمت عمده خاک اروپا بتصرف آلمانها درآمد .

بعد از حمله بلهستان

در آوریل ۱۹۴۰ حمله بدانمارک و نروژ

در مه ۱۹۴۰ حمله ببلژیک و هلند و فرانسه

در آوریل ۱۹۴۱ حمله بیوگسلاوی و یونان

در ۲۸ ژوئن ۱۹۴۱ حمله بدولت اتحاد جماهیر شوروی

در ضمن این حملات میگویند آلمانها مرتکب اقدامات ذیل شدند :

اعدام دسته جمعی کروگانهای نظامی - تبعید بشهرهای آلمان برای کار اجباری - قتل عام اهالی غیر نظامی شهرها - اجرای شکنجه های وحشیانه بزندانیان اردوگاههای نظامی .

در نتیجه این اقدامات آلمانها از همان موقع که هنوز بحیوبه جنگ بود اقداماتی برای مجازات مجرمین جنگ بعمل آمد که مهمترین آنها عبارتند از :

اولاً - تشکیل کمیته ملی مجازات متفقین در لندن مرکب از نمایندگان دول - فرانسه - نروژ - هلند - بلژیک - لهستان - چکوسلواکی - یوگسلاوی و یوتان - ایندول بموجب اعلامیه Sainte James Palace در ژانویه ۱۹۴۲ مقرراتی برای مجرمین عمده جنگ و همچنین برای مجازات کسانی که مرتکب جرائم بر علیه انسانیت شده بودند تصویب نمود .

ثانیاً اعلامیه های هریک از دول بزرگ انگلستان - روسیه - امریکا مبنی بر تائید اعلامیه St James' Palace و تعهد به مجازات مجرمین جنگ .

ثالثاً اعلامیه جمعی سه دولت بزرگ بعد از شکست آلمان و کنفرانس پتسدام در سوم اوت ۱۹۴۵ مبنی بر تائید مجازات سریع مجرمین عمده جنگ .

و بالاخره بعد از تمام اعلامیه‌های فوق قرارداد معروف هشتم اوت ۱۹۴۵ را جمبع بتعقیب و مجازات مجرمین عمده جنک که سند اساسی تشکیل محاکمه نورمبرگ بشمار میرود .

و چون این قرارداد مبناء اساس تشکیل محاکمه نورمبرگ است از آقایان میخواهم که ترجمه آنرا که مختصر میباشد قرائت نمایم

### قرار داد تشکیل محاکمه نظامی بین المللی

قرارداد بین دولت موقتی جمهور فرانسه و دولت ممالک متحده امریکا و امپراطوری بریتانیای کبیر و ایرلاند شمالی و ممالک متحده جمهوری سوسیالیستی شوروی را جمبع بتعقیب و مجازات مجرمین عمده جنک نظر با اعلامیه های مختلفه دول متفق جمماحاکی از تعقیب و مجازات مجرمین جنک .

نظر با اعلامیه منتشره در مسکو مورخه سی ام اکتبر ۱۹۴۱ را جمبع به وحشیگری آلمان در اروپای اشغال شده که در آن قید گردیده است افسران و سربازان آلمانی و افراد حزب نازی که مرتکب جنایت گردیده اند بعد از رهایی ممالکی که در آنجا مرتکب جنایت شده اند بدان کشورهای اعزام گردیده و بعد از استقرار يك حکومت آزاد در آن کشور ها طبق مقررات و قوانین همان کشور محاکمه و محکوم گردند .

نظر باینکه در این اعلامیه مجرمین عمده جنک و کسانی که جرم آنها محل وقوع ثابتی ندارد استثناء شده و مقرر گردیده است که تعیین تکلیف آنها بموجب يك تصمیم مشترك دول متفق بعمل آید علیهذا دولت موقتی جمهوری فرانسه و دولت امریکا و انگلستان و دولت روسیه شوروی که امضا کنندگان این قرارداد میباشد مراتب ذیل را تصویب نمودند :

اول - يك دادگاه نظامی بین المللی با مراجعه بشورای عالی بازرسی آلمان برای محاکمه مجرمین عمده جنک تشکیل خواهد شد .

دوم - تشکیلات و صلاحیت و آئین دادرسی این دادگاه نظامی بین المللی بموجب اساسنامه که ضمیمه این قرارداد است تعیین میگردد

سوم - هر يك از امضاء کنندگان قرارداد اقدامات لازم برای حضور مجرمینی که باید در این دادگاه محاکمه شوند و از طرف آنها توقیف گردیده اند بعمل خواهد آورد .

چهارم - هیچیک از مقررات این قرارداد باصولی که در قرارداد مسکو

پیش بینی گردیده و بموجب آن باید مجرمین جنک در محکمه کشوری که در آن مرتکب جرم شده‌اند محاکمه شوند لطمه وارد نخواهد ساخت .

۵- هریک از دول متفق میتوانند الحاق خود را باین قرارداد بوسیله دولت انگلستان اعلام نمایند .

۶- هیچیک از مقررات این قرارداد معارض با تشکیلات و صلاحیت دادگاههای ملی که برای تعقیب و مجازات مجرمین جنک صالح می‌باشند نخواهد بود .

۷- این قرارداد بعد از امضا لازم الاجرا بوده و اعتبار آن یکسال است ولی بعد از مدت مرور هم جز برای دولی که قبلا تمایل خود را برای ختم آن از راه دیپلماتیک با اطلاع سایرین رسانیده باشند باز معتبر خواهد بود .

این قرارداد در چهار نسخه در تاریخ هشتم اوت ۱۹۴۵ بزبانهای فرانسه و انگلیسی و روسی که هریک بثنهائی دارای اعتبار است بامضا رسید .

بطوریکه ملاحظه میشود ماده دوم قرارداد هشتم اوت ۱۹۴۵ اشاره با اساسنامه که جزء لاینجزای قرارداد بوده و در آن تشکیلات و صلاحیت و اصول محاکمه محکمه نظامی بین المللی تعیین گردیده است .

در این اساسنامه چهار مطلب ذیل حل گردیده - اول تشکیلات دوم صلاحیت سوم اصول محاکمه چهارم جرائم و مجازاتها .

هرچند توضیح موضوعات فوق و هریک بیش از موضوع چندین کنفرانس میباشد ولی ناچار بقیه اختصار در باره هر کدام از آنها توضیح مختصری بمرض میرسد .

۱- تشکیلات محکمه نظامی بین المللی - بموجب ماده اول اساسنامه محکمه نورمبرگ برای اجرای قرارداد مورخه ۸ اوت ۱۹۴۵ که بامضاء دول انگلستان و فرانسه و روسیه و امریکا رسیده است یک محکمه نظامی بین المللی تشکیل میگردد که بدون تاخیر بجرائم مجرمین عمده جنک رسیدگی نماید - ایندادگاه از چهار عضو هریک از طرف یکی از دول امضا کننده تشکیل میشود

مقصود عمده از این ماده آنستکه برای اولین دفعه فاتحین جنک خواسته اند که تکلیف مغلوبین را در یک محکمه با تامین حق دفاع معین نمایند .

مخالفین محکمه نورمبرگ علاوه بر ایراداتیکه از لحاظ اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها بر این محکمه میکنند اساسا این روش را که سرنوشت مغلوب را غالب بوسیله محاکمه تعیین نماید یکنوع خدعه و تزویری میدانند که منظور حقیقی در آن انتقام است .

ولی بعقیده یکی از قضاة دادگاه نورمبرگ معنی این ایراد یعنی اجرای هر گونه قضاوت و عدالت میباشد زیرا تعیین تکلیف مجرمین جنگ و کسانیکه متهمند برافروختن آتش جنگ از سه صورت خارج نیست - یا اینکه اساسا بدون هیچگونه محاکمه و حکمی آنها را نابود کنند و یا اینکه همانطور که انگلیسها با ناپلئون معامله کردند آنها را غالبین بدخواه خود مجازات سیاسی یعنی تبعید نمایند و بالاخره فرض سوم آنست که آنها را محاکمه کنند و فاتحین جنگ بین الملل دوم شق سوم را ترجیح داده اند .

۲- هملایت - بموجب ماده ۶ اساسنامه محکمه نورمبرگ دادگاه نظامی بین المللی صلاحیت رسیدگی بجرائم ذیل را که از طرف مجرمین عمده جنگ ارتکاب گردیده دارا میباشد .

اولا جرایم بر علیه صلح Crimes contre la paix یعنی تهیه وسائل و اقدامات مقدماتی و شروع و تعقیب يك جنگ تهاجمی یا جنگ با نقض عهد نامه ها .

ثانیا جرائم جنگی یعنی نقض قوانین و عادات جنگ مثل قتل و تبعید برای کار اجباری اهالی غیر نظامی - قتل یا سوء رفتار با اسرای جنگی - اعدام گروه گانهای نظامی - غارت اموال شخصی یا عمومی - خرابی بدون دلیل شهرها .

ثالثا جرائم بر علیه انسانیت یعنی قلع و قمع و قتل عام اهالی غیر نظامی برای جهات سیاسی و نژادی یا مذهبی .

دادگاه نورمبرگ برای تعیین صلاحیت خود غیر از تعاریف مزبور که در متن اساسنامه بعمل آمده است بتفاسیری هم استناد نمود :

( بقیه در شماره بعد )